



## پیوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵۷.
  ۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۰.
  ۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۱.
  ۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۹.
  ۵. همان، ج ۱۷، ص ۱۹۹.
  ۶. همان، ج ۸، ص ۱۴۹.
  ۷. آداب الصلوة، ص ۲۳۰.
  ۸. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵۷.
  ۹. همان، ج ۲۱، ص ۱۵۸.
  ۱۰. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۵.
  ۱۱. همان، ج ۱۶، ص ۹۳.
  ۱۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۸.
  ۱۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۹.
  ۱۴. همان، ج ۱۴، ص ۹۴.
  ۱۵. همان، ج ۸، ص ۶۱.
  ۱۶. همان، ج ۱۸، ص ۱۷.
  ۱۷. همان، ج ۷، ص ۲۵۲.
  ۱۸. محمد علی انصاری، به نقل از: ضمیمه روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۷۹.
  ۱۹. فاطمه طباطبایی، پیشین.
  ۲۰. زهرا مصطفوی، به نقل از: روزنامه ایران، پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۷۹.
  ۲۱. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین سید محمد سجادی اصفهانی، به نقل از: پیشین.
  ۲۲. امام رضا(ع): جمال‌الاسبوع، ص ۳۱۰.
  ۲۳. مصاحبه روزنامه «جمعه، شنبه، یکشنبه»، ۱۵/۷/۱۰، ص ۵۷، به نقل از: رهبری انقلاب اسلامی، صص ۳۸۳۹.
  ۲۴. امام رضا(ع): عقد‌الدرر، ص ۱۵۸.
  ۲۵. امام رضا(ع): الزام‌الناصب، ص ۱۰.
  ۲۶. سخنرانی در جمع وعاظ، ۱۵/۸/۵۹، رهبری انقلاب اسلامی، ص ۶۲.
  ۲۷. سخنرانی در جمع گروهی از دانشجویان و مسؤولین دانشکده افسری ۱۲/۷/۱۶، رهبری انقلاب اسلامی، ص ۶۶.
  ۲۸. مصاحبه روزنامه «جمعه، شنبه، یکشنبه»،
- ۵۷/۱۰/۷، صحیفه نور، ج ۴. همان.
۲۹. سخنرانی در قم، ۵۷/۱۲/۱۸، همان، ص ۸۳.
۳۰. سخنرانی در جمع زنان محله چهارمردان قم، روزنامه کیهان، ۵۸/۲/۸؛ به نقل از: همان، ص ۸۴.
۳۱. سخنرانی در جمع روحانیون تهران و شهرستان‌ها، ۵۹/۴/۲۰، همان، ص ۹۲.
۳۲. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین مسیح مهاجری، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ به نقل از قهر و مهر، ص ۱۱۲.
۳۳. امام صادق(ع)، الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷.
۳۴. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین سید حمید روحانی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۸/۶/۱۰، ص ۱۳؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۶۲-۳۶۳.
۳۵. آیة‌الله سید عزالدین زنجانی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۷۴.
۳۶. آیة‌الله ابراهیم امینی، همان، ج ۱، ص ۲۴۹؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۷۴.
۳۷. آیة‌الله سید عزالدین زنجانی، همان، ج ۱، ص ۲۵۱؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۷۵.
۳۸. آیة‌الله موسوی اردبیلی، همان، ج ۱، ص ۱۳۵؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۱۱۱.
۳۹. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین توسلی، پابهپای آفتاب، ج ۲، ص ۱۸۰؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۱۲۳.
۴۰. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین کروبی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۱۲۳.
۴۱. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین برهانی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ به نقل از: مهر و قهر، ص ۱۳۲.
۴۲. یکی از خدمتگزاران بیت امام، همان، ج ۱، ص ۲۱۶؛ به نقل از: مهر و قهر، ص ۱۳۳.
۴۳. حجۃ‌الاسلام و‌المسلمین کروبی، همان، ج ۱، ص ۱۹۳؛ به نقل از: مهر و قهر، ص ۱۴۴. برای آگاهی از دیگر موارد ر.ک: همان، ص ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۱۲، ۱۳۵، ۱۳۴.

- .٥٥. نهج البلاغه، ص ١٥٠.
- .٥٦. خانم زهرا مصطفوی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۲۳۴؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۹.
- .٥٧. آیة الله قدیری، همان، ج ۳، ص ۲۳۷؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۹.
- .٥٨. حجۃ الاسلام و المسلمين مسعودی، همان، ج ۳ ص ۲۳۵؛ به نقل از مهر و قهر، صص ۳۵۹-۳۶۰.
- .٥٩. امام کاظم(ع)، بحار الانوار، ج ۸۶ ص ۸۱.
- .٦٠. دکتر محمود بروجردی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۳؛ به نقل از: روزنامه ایران، ۱۲ خرداد ۱۳۷۹.
- .٦١. مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان، یکشنبه ۹ مرداد ۱۳۷۹.
- .٦٢. آیت الله توسلی، روزنامه اطلاعات، پنج شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۷۷.
- .٦٣. امام صادق(ع)، الزام الناصب، ص ۲۰۱.
- .٦٤. حجۃ الاسلام و المسلمين آشتیانی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۳۰۶؛ به نقل از: مهر و قهر، صص ۲۵۶-۲۵۷.
- .٤٤. عيون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۳۶.
- .٤٥. امام حسین(ع)، الغيبة، نعمانی، ص ۱۲۷.
- .٤٦. حجۃ الاسلام و المسلمين ثقفی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۶۵؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۵.
- .٤٧. صادق خلخالی، همان، ج ۲، ص ۳۱۶؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۵.
- .٤٨. خانم فریده مصطفوی، پابهپای آفتتاب، ج ۱، ص ۹۹؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۷.
- .٤٩. مرحوم آیة الله پسندیده، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۶؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۶۱.
- .٥٠. روزنامه کیهان، به نقل از مجله تایم آمریکا - ۱۳۵۸/۵/۴، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۴.
- .٥١. حجۃ الاسلام و المسلمين انصاری کرمانی، همان، ج ۲، ص ۲۷۲؛ به نقل از مهر و قهر، ص ۳۵۲-۳۵۳.
- .٥٢. در سایه آفتتاب، ص ۸۲.
- .٥٣. در سایه آفتتاب، صص ۸۴-۸۵.
- .٥٤. آیت الله بنی فضل، روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۷۹.



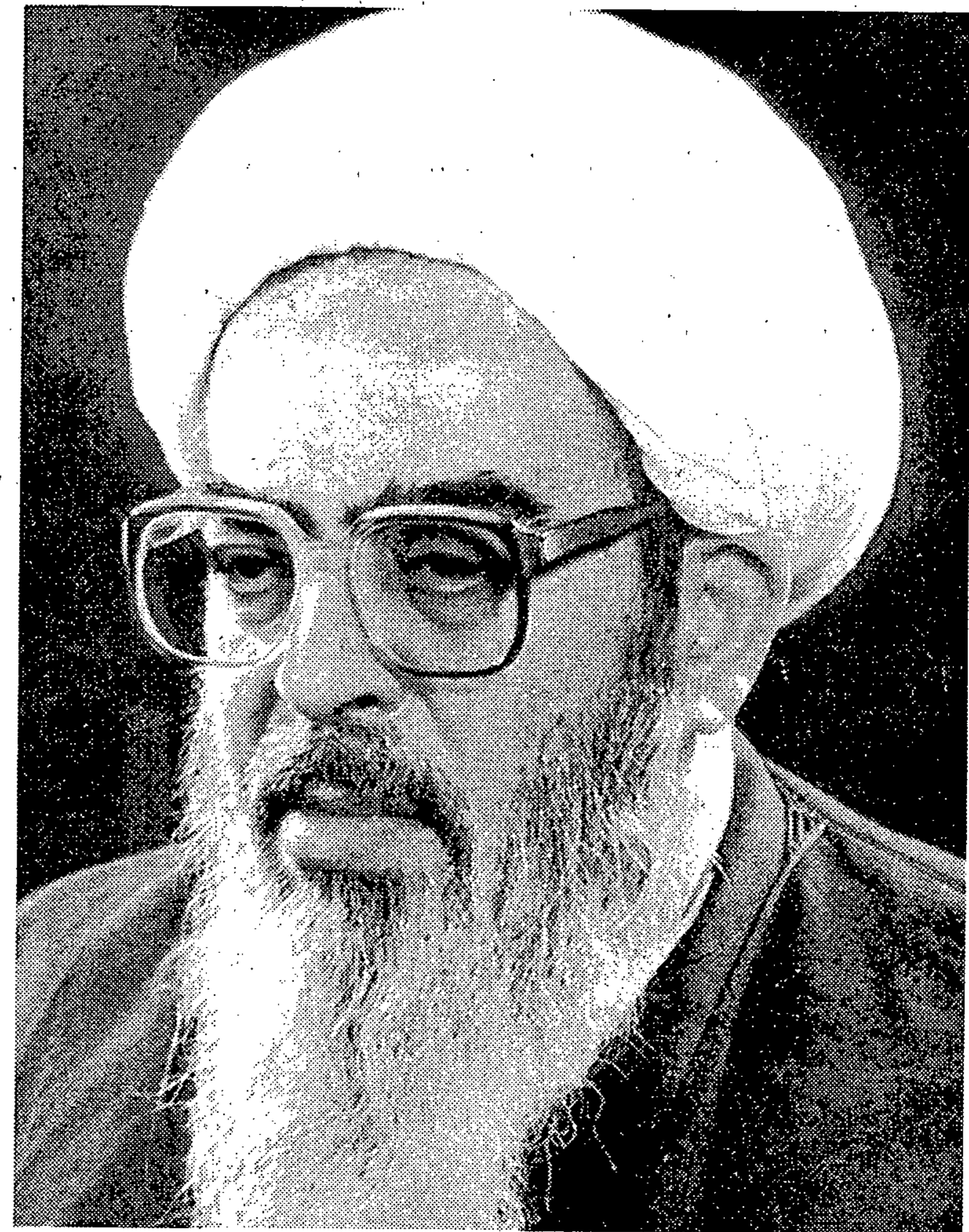
## انظر

سال دوم، شماره سوم

# بيانات حضرت آيت الله العظمى

## فاضل لنگرانى (دامت برکاته)

در جمع دانش بزوهان مرکز تخصصی مهدویت



که همه ما و شما افتخار سربازی آن حضرت را داریم - از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌آید. اگر چه کارهای مهمی در این زمینه، صورت گرفته است؛ ولی کارهای مهم‌تری نیز وجود دارد که باید انجام شود؛ مانند: اصل مسئله «ولایت» و مسائل متفرع بر آن، پاسخ‌گویی به شباهات، نوشتتن کتاب در شرح حال امام زمان (عج) و... . در هر حال این مسئله، ابعاد مختلفی دارد و هر بعدي هم، داري شباهات فراوان و

از اين که زحمت کشide و به اين جا تشریف آورده‌اید، واقعاً سپاس‌گزاری می‌کنم. خداوند متعال را سپاس می‌گویim که فکر اين راه را - که نعمت بزرگی است - به شما عنایت کرده و شما را به سوی آن متوجه ساخته است.

### [اقدامات لازم:]

#### [۱. معرفی امام (عج) و دفع شباهات:]

مسئله وجود مقدس امام زمان (عج) -

بود که آیا برای ادعایت شاهد و دلیلی هم  
داری یا این که معتقد‌ی بدون دلیل ادعایت  
را بپذیریم؟ البته او هیچ شاهد و دلیلی برای  
ارائه نداشت.

### قضیه‌ای را نوء حضرت امام ره برای

من نقل کرد که شخصی در زمان امام  
را حل ره ادعا می‌کرد که با امام زمان (عج)  
ارتباط دارد و اگر مشکلی هست، مطرح  
شود تا او خدمت امام زمان برد و حل کند.  
امام راحل ره - برای اثبات کذب او -  
فرمودند: من چند مسأله دارم، جواب آنان  
را برای من بیاور؛ آن‌گاه مشکلاتم را مطرح  
می‌کنم. مسأله اول این که کیفیت ارتباط  
حادث با قدیم را توضیح دهید؛ مطلب دوم  
آن که من چیزی را که مورد علاقه‌ام بوده،  
مدتی است گم کرده‌ام از آن حضرت  
بپرسید، گم شده من کجا است؟ آن شخص  
مدعی تا این مطلب را شنید، رفت و بعد  
هم نامه‌تندی برای امام ره نوشت.

به هر حال بعضی از خرافات، به شدت  
در حال رواج یافتن است و اینها به اسلام  
لطمہ می‌زنند.

دقیقی است.  
شناساندن حقیقت امام زمان علیه السلام به  
مردم نیز از جمله کارهای بسیار مهم و  
ضروری است.

### [۲. خرافه‌زدایی:]

یکی از کارهای مهم زدن خرافات؛  
خصوصاً خرافاتی است که در بین عوام  
مشهور است؛ مثلاً اگر پنج شب  
«چهارشنبه» به مسجد جمکران بیایند، اگر  
در شب ششم، به سیدی برخورد کنند،  
می‌گویند: قطعاً این امام زمان است!؟  
گرفتاری ما در جامعه، از ناحیه دو گروه  
است: عده‌ای رسمآ خودشان و دیگران را  
به طرف بسی دینی سوق داده، همه‌چیز را  
انکار می‌کنند و یا زیر سؤال می‌برند. در  
مقابل گروه دیگر، گرفتار یک سری از امور  
خرافی شده‌اند؛ مثلاً در تهران، کسی پیدا  
شد و ادعا کرد که با امام زمان (عج)  
ملاقات دارد. جمعیت زیادی هم به او  
گرایش پیدا کردند. هم‌چنین ادعا کرده بود  
که شش ماه است، امام زمان (عج) از قم و  
مسجد جمکران قهر کرده و به آنان سر  
نمی‌زند! یکی از بزرگان هم به ایشان گفته

## [تذکری درباره ملاقات‌ها:]

یکی از مسائلی که امروزه در جامعه به صورت غیرصحیح جلوه کرده، مسأله ملاقات و دیدار با امام زمان علیه السلام است. در این رابطه باید به نکاتی چند توجه داشت: ما معتقدیم که تمام نعمت‌هایی که به انسان داده می‌شود به وسیله آن وجود مقدس (سبب المتصل بین الارض و السماء) است. از طرفی زیارت و ملاقات با معصوم علیه السلام بسیار خوب و مستحب است. البته در صورتی که ممکن باشد. آنچه در ادعیه و زیارت‌نامه درباره زیارت آن حضرت آمد، بیانگر حالت شوق و اشتیاق به آن وجود مقدس است.

نباید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابان‌ها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم. خود آن حضرت نیز فرموده‌اند: «هر کسی ادعای مشاهده نموده، بایستی او را تکذیب کنید». اصلاً ما نیازی به این حرف‌های نداریم؛ آنچه وظیفه ما و همه شیعیان و دوست‌داران آن حضرت است، اشاعه فرهنگ صحیح

## [۳. استفاده از شیوه‌های متقن و نوین:]

در رابطه با امام زمان (عج)، سعی کنید در ابعاد مختلف واقعیت‌ها را با زبان و قلم روز بگویید و بنویسید. نظرات شخصی خود را اعمال نکنید. بهترین کتاب‌ها و مطالب را - مربوط به هر کس و هر زمانی که باشد - جمع آوری و بیان کنید. مسأله امام زمان (عج)، مسأله مهمی است و در هر بعد از ابعاد آن، باید قوی‌ترین، استدلالی‌ترین و زیباترین مطالب را انتخاب و ارائه نمایید.

سعی کنید یک کتاب یا مجموعه بسیار متقنی، در این‌باره به قلم تحریر درآورید که پاسخ‌گوی نیازهای همگان باشد. خود من نظری این کار را شروع کرده و در صدد تألیف کتابی هستم که دربردارنده خلاصه‌ای از مجموع عقاید شیعه، به صورت کاملاً متقن و جوانپسند باشد. چرا که واقعاً جای چنین کتابی، خالی است و ممکن است، افرادی پیدا شوند و در صدد تحقیق درباره عقاید شیعه باشند. این کتاب با چنین ویژگی‌هایی، می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آن افراد باشد.

«مهدویت»، «مهدی زیستی» و «ترویج افکار زحمت بکشید، مطالعه کنید، بنویسید و آن را به جایی برسانید. امیدوارم که مورد قبول ائمه علیهم السلام است.

خداوند متعال و حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد و اجر مضاعف در تومار عمل شما، ثبت و ضبط شود. خداوند متعال به همه شما توفيق دهد و ان شاء الله آثار زحمات شما را هر چه زودتر مشاهده نماییم.

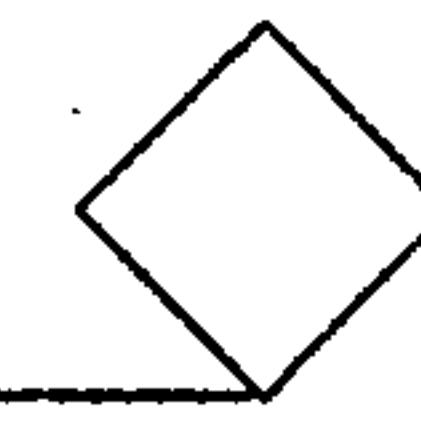
### [افتخاری بزرگ:]

اجمالاً کار شما، بسیار کار پر اهمیتی است. و ما به هر مقامی هم که بررسیم، بزرگ‌ترین افتخار ما این است که سرباز امام زمان (عج) هستیم و نمی‌توانیم افتخاری بالاتر از این برای خود تصور کنیم. لذا هر چه می‌توانید در این باره



## اظفار

سال دوم، شماره سوم



## صحابه با استاد محمد سند

(قسمت اول)



استاد محمد سند، فرزند ممید در سال ۱۳۸۲ هـ در بهرين به دنيا آمد. ايشان در يكى از

دانشگاههاي لندن، مدتى در رشته مهندسي، مشغول به ت McGill بود؛ سپس با پیروزی

انقلاب اسلامي وارد موزه علميه قم شد.

استاد سند از درس فارج فقه و اصول آيات عظام؛ شیخ مرتضی هائزی، میرزا هاشم آملی،

کلپاگانی، سید محمد وهابی، محمد فراسانی، تبریزی و فانی اصفهانی بهره برده است.

همچنین از دروس اساتيد فلسفه، حضرات آيات، هسن زاده، جوادی و انصاری شیداري

استفاده نموده است.

استاد محمد سند، دارای تأليفات است؛ مائدۃ الامامة الالهیة، دعوی السفارۃ، بهوث فی

علم الرجال، العقل العملى، فقه البنوگ و... .

ایشان هم اکنون در موزه علمیه قم مشغول تدریس فقه و اصول است.

انتظار

◀ انتظار: باتشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید. جناب عالی غیر از کتاب «متاهات فی مدینة الضباب» (که رد شبهات احمد الکاتب و استخراج شده از اینترنت است)، کتابی هم به نام «دعوى السفارۃ» دارد.  
لطفاً بفرمایید در این زمینه چه کمبودی احساس کردید که آن را به نگارش درآوردید؟

• بسم الله الرحمن الرحيم؛ من هم از لطف شما تشکر می‌کنم.  
در بحرین، عده‌ای از جوانها و برخی از دانشمندان و روحانیانی که به جهت مبارزه سیاسی، زندانی شده بودند؛ ادعای ارتباط مستقیم با امام زمان علیه السلام داشتند و شبهاتی را مطرح می‌کردند که تابه حال در کتاب‌های شیعه، پاسخ داده نشده بود.  
از طرف دیگر، افرادی در ایران و سایر کشورها نیز همان ادعاهای را بیان می‌کردند.  
البته این ادعاهای اشکال مختلف؛ مثل: نیابت، ارتباط، اتصال با امام زمان علیه السلام و یا حتی به صورت ارتباط با ائمه علیهم السلام، حضرت زهرا علیه السلام و ارواح برزخی مطرح بود.  
متأسفانه در کتاب‌های پیشین شیعه، در این موارد بحث‌های منظم و دقیقی ارائه نشده است. لذا این شبهات واستدلال‌های توهمنگیز، با شیوه‌های مختلف، مطرح بود.  
این ادعاهای در کتاب دعوى السفارۃ با بیان ادله عقلی و نقلی، پاسخ داده شده و موارد توهمنگیز هم تبیین گشته است.

◀ انتظار: چرا شما با بیان تفاوت «سحر»، «کرامت» و «معجزه»، وارد بحث شده‌اید؛ در حالی که معمولاً این تفاوت در بحث نبوت عامه مطرح می‌شود؟

• به دلیل این که مدعیان ارتباط با امام زمان علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام، معمولاً با کارهای خارق العاده، دیگران را فریب می‌دهند؛ مثلاً شعبدہ بازی، هیپنوتیزم، علوم انسانی جدید، علوم غریبه، سحر و تسخیر جن. متأسفانه مردم و برخی از اهل علم نیز تصور می‌کنند که این موارد، از کرامات اولیاء الهی است.

لذا بایسته بود که در ابتدا به این بحث پرداخته شود، تا با شناخت نسخه اصلی، بتوان غیر اصلی را تشخیص داد.

◀ لنتظار: آیا شما اصل ملاقات با امام زمان (عج) را در زمان «غیبت

کبری» قبول دارید؟

• اصل ملاقات، امری است که بیشتر عالمان آن را قبول دارند؛ ولی باید دانست که بین «ملاقات» و «حجیت ارتباط و آدعا»، تفاوت فاحشی وجود دارد. در حالی که بین این دو واژه خلط شده است.

گفتنی است حجیت اجماع تشریفی مورد نظر علماء، برای کسی است که خود شرفیاب شده باشد؛ نه دیگران.

لازم به تذکر است؛ مراد ما از حجیت، عدم علم به حجیت نیست؛ بلکه علم به عدم حجیت منظور است.

◀ لنتظار: شما در مورد توقيع شریف که مدعیان مشاهده را تکذیب فرموده، چه نظری دارید؟ یعنی بر فرض عدم ادعای نیابت یا سفارت، آیا با وجود این توقيع، باز هم امکان ملاقات وجود دارد؟

• معنای درست این توقيع - که بیشتر علمای شیعه هم پذيرفته‌اند - نفی و تکذیب مقام و منصب «ارتباط» است.

◀ لنتظار: آیا منظور شما «نیابت» است؟

• لازم نیست، حتماً واژه «نیابت» مطرح باشد؛ بلکه همین که شخص، مدعی ماهیت ارتباط باشد، مورد تکذیب است (با هر لفظی که باشد؛ مثل نمایندگی، ارتباط، رابط، سفير، کanal و...). چرا که چنین جایگاهی وجود ندارد و ما علم به عدم آن داریم.

در بعضی موارد، چه بسا فردی در واقع، خدمت امام زمان (عج) هم مشرف شده باشد؛ اما با فریب خوردن و اغوای نفس، این تشریف را به همان «ماهیت باطل» برگرداند و

ادعای دروغین مطرح کند.

در کتاب غیبت شیخ طوسی، غیبت نعمانی و کمال الدین شیخ صدوق روایاتی داریم؛ مبنی بر این که در زمان غیبت صغیری، برخی افراد خدمت حضرت (عج) مشرف شده‌اند؛ اما تشرف آنان، به صورت تأدیب و تشرذن بوده است؛ مثلاً در عراق، شخصی پول هنگفتی گرفت که به نیابت حضرت، حجی به جا آورد. اما آن پول را به پسر شراب خوار خود داد. در تشرّف، حضرت مهدی علیه السلام به او فرمودند: «اما تستحی یا شیخ! النیابة عمن و تعطیها لمن، لا راک الا آن تعمی بعد کذا یوم؛ ای مرد! آیا حیانمی کنی؟ نیابت از که بود و توبه چه کسی واگذار کردی؟ می‌بینمت که پس از گذشت چند روز نابینا شده‌ای» و بعد از چهل روز، آن شخص کور شد.

به هر حال، بیشتر علمای شیعه، این مطلب را گفته‌اند که اگر کسانی ادعای نمایندگی، نیابت، سفارت و ... داشته باشند، این ادعای باطلی است و ادله عقلی و نقلی، بر بطلان این ماهیت وجود دارد.

◀ انتظار: به چه دلیل شما از عبارت توقيع (تکذیب مدعیان مشاهده)،

تکذیب مدعی نیابت، سفارت و... را استفاده می‌کنید؟

• بزرگان برای این مطلب، قرینه‌هایی را ذکر کرده‌اند.

این توقيع شریف، در اوخر عمر نایب چهارم، صادر شده است. اگر توقيع را از صدر تا ذیل بخوانیم؛ می‌فهمیم که آن حضرت، در صدد بیان این مطلب بوده‌اند که تا زمان ظهور، دیگر نیابتی وجود ندارد.

◀ انتظار: مراد از عبارت «لا توص إلى أحد منهم...»، جایگاه نیابت

است، ولی در ادامه دارد: «فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا...».

• از قرینه مقابله، معلوم می‌شود که قبل از آن، «غیبت تامه» نبوده است و تفاوت غیبت تامه و غیر تامه، در همین مسئله نیابت است.

در عبارت «فاجمع أمرك و لا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك»، «فاء» یا

تفریعیه است یا تعلیلیه.

هر دو احتمال، این معنا را می‌رساند که غیبت تامه، متفرع بر این است که منصب «نیابت» و «وصایت» را کسی بر عهده ندارد.

«غیبت ناقصه»؛ یعنی، عدم تامه، چون زمان غیبت صغری، آمیخته با ظهور بود و همگان می‌توانستند با نامه و از طریق نایب خاص، به حضرت دسترسی داشته باشند. لذا انقطاع تام نبود؛ اما در غیبت تامه، دیگر آن کانال مورد اعتماد، وجود ندارد «فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الاّ بعد اذن الله تعالى ذكره».

پس قبل از «غیبت تامه»، نفی حقیقت ظهور نبود؛ بلکه مسمّاً یا درجاتی از ظهور وجود داشته و ارتباط به وسیله نایب، یک نوع ظهور نسبی بوده است.

غیبت ناقصه؛ فقط ظهور مطلق را نفی می‌کند؛ اما دلالت بر نفی مطلق ظهور ندارد. نفی کل درجات، با نفی بعضی از درجات ظهور، تفاوت دارد.

◀ لانتظار؛ امروزه افراد زیادی هستند که بدون ادعای نیابت یا وکالت، برای این که نزد مردم، وجهه‌ای به دست آورند، ادعای ملاقات می‌کنند؛ با چه معیاری می‌توانیم صدق و کذب این ادعاهای را بفهمیم؟

• ادعای باطل، گاهی کمرنگ‌تر از نیابت و به صورت رابطه داشتن مطرح می‌شود. علمای شیعه، در زمان غیبت صغری و اوایل غیبت کبری، در مورد چنین فردی، حکم به کفر می‌کردند؛ نه این که فقط حکم به فسق او بدھند. این مطلب از نظر فقهی، بحث پیچیده‌ای دارد که چرا اگر کسی، اصرار بر چنین ادعایی داشته باشد، به ارتداد کشانده می‌شود؟

متأسفانه فقیهان معاصر در بحث حدود، به این مطلب نپرداخته‌اند؛ در حالی که فقهایی مثل شیخ طوسی، صدقوق، نعمانی، کلینی و بزرگان دیگری که در زمان غیبت صغری بوده‌اند، (مثل علی بن بابویه) این مطلب را مطرح کرده‌اند. حال چرا با این که، این افراد ادعای الوهیت، ربوبیت و... نداشته‌اند، در عین حال، حکم به کفر و قتل آنان شده است؟

این مطلب یاد شده، نشانه قطعی بودن بطلان این ادعا است؛ اما گاهی فرد، صرفاً